

مرزهای دانش را بشکنید
تولید علم کنید
به سراغ مرزهای دانش
بروید.
فکر کنید. کار کنید.



چرا فرزندانم با وجود تمام هزینه‌هایی که پرداخت کردیم نتیجه‌ی مطلوبی نگرفت؟!

خبرنامه‌ی آموزشی - شماره ۱۴ - پاییز ۹۷ - ۴ صفحه
غیر قابل فروش، - صرفاً جهت اطلاع‌رسانی آموزشی

از محل سکونت ما در حال تحصیل است... اما من و پدرش با خودمان روزها فکر کردیم که چرا نشد آنچه که باید می‌شد و انتظارش را داشتیم و پاسخ سوالات خود را این‌طور به دست آوردیم:

۱- از ابتدای سال دایم به امید رشد نمرات فرزندانمان در طول سال بودیم، اما حالا متوجه شدیم از همان پاییز و در ابتدای سال نباید فرزندانم نمرات معمولی و پایین کسب می‌کرد.

۲- در آزمون‌های خارج از مدرسه نباید اجازه غیبت به فرزندان می‌دادیم و نمرات آزمون‌های آزمایشی را باید جدی‌تر می‌گرفتیم!

۳- نباید در تعداد زیاد کلاس‌های فوق برنامه و همایش‌های یک‌روزه فرزندانم را ثبت نام می‌کردیم، چون این کلاس‌ها بعد عید برگزار شد که وقت زیادی از فرزندانم گرفت و نوبت دارو بعد از مرگ سهراب بود چرا که آزمون‌های آزمایشی جامع از اردیبهشت ماه شروع شده بود، اما تاریخ تشکیل کلاس‌ها نزدیک کنکور و بعد از آزمون‌های جامع آزمایشی برگزار می‌شد!

۴- کلاس‌های مشاوره‌ی مدرسه جنبه‌ی انگیزشی داشت و قبح کم کاری دانش‌آموزان را کم رنگ می‌کرد، در عین حال که فرزندانم نیاز به یک برنامه‌ساز و برنامه‌ریزی درسی مستقیم داشت که بر اساس آن درس بخواند و به آزمون‌های آزمایشی برسد و در برابر نمرات کم باز خواست و راهنمایی شود! ۵- و در آخر به این نتیجه رسیدیم: بهتر است کار برای کنکور را سه سال زودتر شروع کنیم تا چنین هزینه و فشاری در سال آخر به بچه‌ها وارد نشود.

سید امیر دبازر

پایین‌ترین نمره ۱۵ بود و تعداد زیادی از بچه‌ها نمره‌ی ۱۹ و ۲۰ گرفته بودند... با خودم فکر کردم که فرزند بزرگ‌تر من در سال سوم دبیرستان چون امتحانات، خارج از مدرسه و نهایی برگزار شد به سختی توانست معدل ۱۹/۲۶ کسب کند، اما امسال چون امتحانات به صورت داخلی در مدرسه برگزار شد میانگین نمرات بسیار بالا بود! و این موضوع ساده‌ای نبود، چون نشان از این بود که در باغ سبز به بچه‌ها نشان می‌دهند تا رضایت اولیا و فرزندان را جلب کنند و بچه‌ها با حس خوب در همین مدرسه ثبت‌نام کنند تا از مدرسه خارج نشوند! کلاس‌های کنکور از تیرماه در مدرسه آغاز شد و فرزندانم به من و پدرش اصرار داشت که من همین‌جا را دوست دارم و من را همین‌جا ثبت نام کنید، ما هم به خواسته‌ی او عمل کردیم... شهریه‌ی مدرسه چندین میلیون بود...

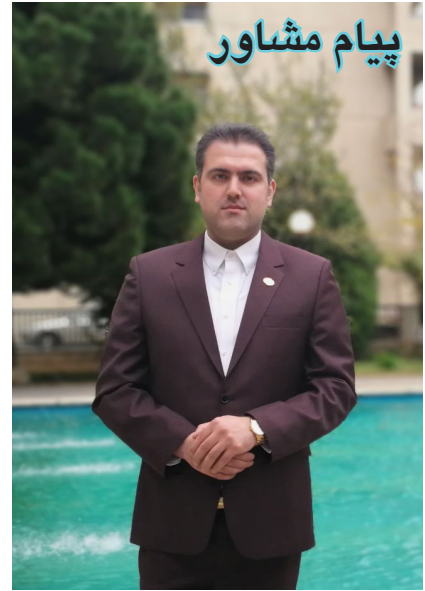
از طرفی هزینه‌ای جدا جهت خرید کتاب‌های کمک آموزشی از ما دریافت کردند و بعدها متوجه شدیم اشتیاق ناظم مدرسه جهت خرید این کتاب‌ها، درصدی بود که بابت تخفیف، انتشارات به مدرسه می‌داد!!! ولی به دانش‌آموزان به قیمت پشت جلد کتاب‌ها فروخته می‌شد!

بعدها هزینه‌ی پانسیون مطالعاتی که به هدف عدم خروج بچه‌ها از مدرسه و شرکت در کلاس‌های آموزشگاه‌ها و همایش‌ها با سایر دبیران بود، کار را برای ما دشوارتر کرد... آزمون‌های جامع به صورت یک خط در میان تشکیل می‌شد و تعداد غایبین در آزمون با سخت‌گیری مدیر به حداقل می‌رسید، کلاس‌های مشاوره‌ی مدرسه تبدیل به کلاس‌های «یوگا» شد چون دایم به بچه‌ها روحیه می‌دادند که شما می‌توانید، هر چند اگر نمره نیاورید و...

بعدها فهمیدیم که نمره حرف اول و آخر را در قبولی کنکور می‌زند و این حرف‌ها در کلاس مشاوره مدرسه فقط جنبه انگیزشی داشت! بعد از عید که تسویه حساب مالی کل میان اولیا با مدرسه به اتمام رسید نوبت به ثبت نام مجدد بچه‌ها در همایش‌های یک روزه و کلاس‌های نکته و تست رسید... از بچه‌ها خواستند هر کسی تمایل داشت برود دفتر مدرسه و از طریق معاون آموزشی مدرسه ثبت نام کند، اما همایش‌ها در دانشکده‌ی داروسازی شهید بهشتی برگزار می‌شود، نه در داخل مدرسه...!

در ذهن من به عنوان مادر، تصویری شبیه به یک «کنسرت» با حضور یک «خواننده» شکل گرفت، بالای ۵۰۰ دانش‌آموز در یک سالن آمفی تئاتر، درس می‌گیرند!!! چه قدر جالب... چقدر پول... چقدر سود... چقدر درآمد... چقدر نمایشی... آیا واقعا در این فضای شلوغ، فرزندانم نکته‌ای یاد می‌گیرند؟! کنکور برگزار شد و مجدد دعوت شدیم جهت انتخاب رشته... ناظم، مدیر و معلم در روز اعلام نتایج کنکور، همگی برای انتخاب رشته نظر می‌دادند، فلان رشته را بزن پارسال یکی زد قبول شد...!

فضای انتخاب رشته کاملاً غیر علمی و شبیه به یک رفع تکلیف برگزار شد، که بگویند برای فرزندانمان انتخاب رشته هم کردیم! کمی احساس مهره‌ی سوخته داشتیم اما گذشت تا به شهریور رسیدیم و نتایج نهایی کنکور اعلام شد، در حال حاضر فرزندانم در یک رشته شبیه به آنچه که دوست داشت در یک شهر دورتر



پیام مشاور

زمستان بود، فرزند بزرگ‌ترم برای امتحانات پایان ترم دانشگاه درس می‌خواند. فرزند کوچک‌ترم خود را برای امتحانات پایان نیمسال اول آماده می‌کرد. حجم و وسعت تبلیغات محیطی در خیابان به داخل محیط مدرسه کشیده شده بود... هر روز یک معلم از شرایط دشوار کنکور سال آینده خبر می‌داد و ذهن اولیا و فرزندانم را به هم می‌ریخت؛ اما مشاور مدرسه با نشان دادن در باغ سبز و ترسیم یک فضای رویایی از تحصیل در سال آخر در مدرسه‌ای که خودش در آن‌جا مشغول بود، همه‌ی خانواده‌ها را برای ثبت نام در مدرسه ترغیب می‌کرد و مدیر مدرسه با خروج بچه‌ها از مدرسه و ثبت نام در مدرسه‌ای دیگر مخالفت می‌کرد تا حدی که صحبت از تخفیف و قسط‌بندی شهریه و قرار دادن معلم خصوصی رایگان برای تقویت نقاط ضعف دانش‌آموزان مدرسه‌اش ابزاری بود جهت تشویق خانواده‌ها به ثبت نام فرزندان در مدرسه فعلی!!! و حتی گاهی پیشنهاد اولیا را برای تعویض دبیران حال حاضر و قرار دادن دبیران جدید که مورد تأیید اولیا بودند، لحاظ می‌کرد...! با خودم فکر کردم چقدر جالب، در سال آخر فرزندان ما چقدر برای مدیر و مشاور مدرسه مهم شده‌اند!!!

گذشت و گذشت زمستان تمام شد، در عید دوره‌هایی جهت تقویت تشریحی برگزار شد و همچنان حجم فشار برای ثبت نام در مدرسه بیشتر و بیشتر می‌شد... حتی تعدادی از دبیران نامی را به مدرسه آوردند تا برای بچه‌ها قبل از شروع امتحانات پایان ترم، رفع اشکال رایگان انجام دهند، و دایم می‌گفتند در سال آینده همین دبیران قرار است با شما کلاس کنکور داشته باشند.

امتحانات پایان سال برگزار شد، مدرسه‌ی فرزندانم جزء مدارس خوب شهرمان به شمار می‌رفت، نتایج امتحانات ترم در پایان خرداد اعلام شد، اما یک نکته خیلی برای من و تعدادی از اولیا که پی‌گیر بودند ذهن همه را درگیر کرده بود: «تمام بچه‌ها نمرات بالایی گرفته بودند...»

در این شماره می‌خوانید:

آیا رتبه‌های برتر نابغه‌اند؟

مصائب دوران دانشجویی در دانشگاه‌های غیر از محل سکونت

آینده درخشان با درس خواندن میسر است یا با کسب مهارت؟!

چرا انتظارات برخی از پدر و مادرها از فرزند دانش‌آموز خود، بالاتر از حد توان اوست؟!

مدرسه وقت زیادی از من می‌گیرد، چه کار کنم؟!

آیا رتبه‌های برتر نابغه‌اند؟

تا به امروز در اقوام و آشنایان خود با رتبه‌های برتر برخورد داشته‌اید؟ به نظر شما رتبه برترها بیشتر نابغه‌اند یا سخت‌کوش‌ها؟! اصلاً اصطلاح نابغه به چه معناست؟! لولیس می‌گوید: نوابغ سوال می‌پرسند. آن‌ها جواب را نمی‌دانند اما سوالات بسیاری دارند و حس کنجکاوی‌شان آن‌ها را به سمت اهدافشان سوق می‌دهد. آن‌ها افرادی هستند که ظرفیت برای تحقیقات در سطوح بالا را دارند و برای دنبال کردن سطح بالایی از درک و فهم کنجکاو هستند، همچنین آن‌ها توانایی بالایی برای انتقال آن‌چه می‌فهمند و درک می‌کنند، به ما دارند. (توانایی زیادی در انتقال یادگیری دارند.)



بهتر است بگوییم رتبه برترها لزوماً جزء نوابغ نیستند ولی ویژگی‌های مشترکی دارند. لازمه‌ی رتبه برتر شدن تلاش بی‌انتهای برای رسیدن به خواسته‌هایمان است. پرسیدن سوال و خوب توضیح دادن از ویژگی‌های مشترک نوابغ و رتبه برترهاست. در واقع رتبه برترها می‌توانند خوب فکر کنند، مسیر را خوب هدایت کنند و مباحث ذهنی خود را منسجم پیش ببرند.

رتبه برترها خسته نمی‌شوند چون به خستگی فکر نمی‌کنند زیرا می‌دانند فکر کردن به خستگی یعنی اتلاف وقت و در آخر به جز کند شدن و رها کردن درس چیزی عایدشان نمی‌شود. پس راه را از ابتدا می‌بندند تا گرفتار این‌گونه مسائل نشوند. رتبه برترها صبور هستند همانند نوابغ و برای رسیدن به نتیجه‌ی اصلی خود از صبر و تلاش هر دو استفاده می‌کنند. اگر واقعا می‌خواهید جزء رتبه برترها باشید کمی به سبک نوابغ زندگی کنید.

شیما جوادپور



مصائب دوران دانشجویی در دانشگاه‌های غیر از محل سکونت

می‌شود.
* **عدم آشنایی با تمام نقاط شهر**
* ورود به خوابگاه و کنار آمدن با هم‌اتاقی‌ها و در برخی موارد، اعتماد به هم‌اتاقی‌ها در مدت زمان کوتاه به سبب زندگی شبانه‌روزی
* **عدم تغذیه‌ی مناسب** که به سبب مشغله‌ی تحصیلی و ... به وجود می‌آید.
* **مشغول شدن به کارهای پاره وقت** در ادارات و شرکت‌ها برای تامین هزینه‌ها و دور شدن از محیط درس و عدم شرکت در کلاس‌های دانشگاه
اما با همه‌ی این مشکلات بسیاری از افراد، سطح علمی برخی از دانشگاه‌ها را در شهرهای بزرگ، دلیل مهاجرت به این شهرها می‌دانند پس اگر شما هم جزء این دسته از افراد هستید، بهتر است قبل از رفتن به شهری دیگر تمامی جوانب را بررسی کنید تا انتخاب آگاهانه‌تری داشته باشید.
البته دور شدن از محل سکونت برای کسب علم و دانش شعاری اشتباه نیست! اما با توجه به موقعیت خانوادگی و فردی هر داوطلب، تعریف مجزا و خاص خود را دارد که لازمه‌ی آن تأمل و تفکر بیشتر است!

شیرین امیری

انتخاب شهر محل تحصیل برای داوطلبان کنکور اهمیت زیادی دارد. انتخاب شهری دیگر، به معنای سال‌ها دور ماندن از محل زندگی است. شاید در حال حاضر از اهمیت این موضوع با خبر نباشید اما به محض پذیرفته شدن در دانشگاه غیر از محل سکونت ممکن است با مشکلاتی مواجه شوید. این مشکلات حتی ممکن است منجر به افت تحصیلی شما شود پس بهتر است با آگاهی کامل شهر محل تحصیل خود را انتخاب کنید.

در اینجا می‌توان به تعدادی از مسائل و مصائب تحصیلی دوران دانشجویی در دانشگاه‌های غیر از محل سکونت اشاره کرد:

* **جدا شدن از خانواده و دوستان؛** در واقع ممکن است فرد با کمبود عاطفه و محبت از سوی خانواده مواجه شود و دیگر از آن امکانات سابق که در خانواده فراهم بود برخوردار نشود.

* **هزینه‌ی زیاد رفت و آمد** بین شهر محل سکونت و محل تحصیل، هزینه‌ی خوراک و اجاره‌های سنگین.

* **رویارویی با افرادی که فرهنگ و رسوم متفاوتی دارند** (اختلاف فرهنگی بین شهر محل سکونت و شهر محل تحصیل)؛ این موضوع دوست‌یابی را از بین فرهنگ‌های مختلف دشوار می‌کند و باعث ایجاد احساس دلنگی

حال فکر کنید در یک رشته‌ی مهندسی مثلاً مکانیک تحصیل کرده‌اید و به دنبال شغل مناسب هستید. تمامی مشاغلی که برای شما موجود هستند فقط در زمینه‌ی رشته‌ی تخصصی شما خواهند بود، حالا تصور کنید که در کنار تحصیل در رشته‌ی مکانیک در کلاس‌های مهارت آموزی معتبری شرکت کرده‌اید و در طی ۴ سال تحصیل‌تان، مهارت‌هایی از قبیل کار با کامپیوتر (Office, CAD)، طراحی وب سایت، نرم افزارهای کاربردی رشته خودتان و رشته‌های مرتبط، طراحی و پیاده‌سازی تاسیسات، اصول و پایه فنی برق و چندین مهارت دیگر را آموخته‌اید. در زمان اتمام دوره‌ی کارشناسی تفاوت شما در این وضعیت با حالت اول در این است که بازار کار گسترده‌تری خواهید داشت، توانایی‌های بیشتری خواهید داشت و با انجام چند کار در یک مجموعه می‌توانید درآمد بالاتری نسبت به هم رشته‌های خود کسب کنید.

این بار فرض کنید سال دهم متوسطه هستید و می‌خواهید مسیر آینده‌تان را انتخاب کنید، راه‌های پیش روی شما یکی تحصیل در رشته‌های نظری و دیگری تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای است. در هر یک از این رشته‌ها شما سلسله‌ای از مطالب تئوری را می‌خوانید که در دانشگاه و شغل آینده‌تان به کارتان خواهند آمد، این مطالب مانند حل مسائل فیزیکی، حفظ کردن لغات زبان و ... هستند. در میان این مطالب مواردی وجود دارد که در زندگی روزمره شما و شاید حتی در شغل‌تان به کار نیایند با وجود اینکه شما مدت زمان زیادی صرف یادگیری آن‌ها کرده‌اید، در مقابل مطالبی وجود دارند که شما در زندگی روزمره‌ی خود قطعاً نیاز خواهید داشت، مانند کار با کامپیوتر، تعمیر یک دو شاخه‌ی وسیله‌ی برقی، دوختن یک زیپ به شلوار و ...

تعجب نکنید!!! این کارها مهارت‌های زندگی عادی هستند که بسیار ساده‌تر از حل مسائل انتگرال است و ما در دوره‌ی آموزشیمان هرگز آن‌ها را به عنوان درسی مهم و اصلی آموزش نخواهیم دید.

این قبیل کارها مهارت هستند، مواردی که باعث کاربردی بودن یک فرد می‌شوند، مواردی که در رزومه‌ی کاری هر فرد برای استخدام شدن در یک مجموعه‌ی معتبر با حقوق مناسب نیازمند جایگاهی بالا هستند.

حتی می‌توان گفت با یک نگاه ساده به مبالغ موسسات معتبر در زمینه‌ی آموزش مهارت‌ها می‌بینیم که هزینه‌ی یادگیری مهارت‌ها ممکن است به مراتب بیشتر از کل دوران تحصیل شما شود، اما این مهم، خود به تنهایی نشان دهنده‌ی اهمیت یادگیری مهارت‌ها و تاثیر آن در آینده‌ی درخشان است.

با این توضیحات حالا می‌دانید که حتی اگر شاگرد اول رشته‌ی معماری در دانشگاه باشید اما نصب نرم افزار Autocad روی سیستم عامل مورد استفاده‌تان را بلد نباشید یا حتی نتوانید تشخیص دهید سیستم عامل شما چیست تا نسخه‌ی مناسب با آن را نصب کنید، در هیچ یک از مراکز خصوصی و دولتی جایگاهی خوب و حقوقی مناسب نخواهید داشت.

در نهایت باید گفت در دنیای امروز، اگر اطلاعات شما از همه‌ی مردم دنیا بیشتر باشد اما مهارت‌های لازم برای به کارگیری این اطلاعات را نداشته باشید به موفقیت نخواهید رسید.

آیدا فراهانی

همه‌ی کسانی که تحصیل را تا مرحله‌ی دیپلم ادامه داده‌اند متوجه این امر هستند که قبول شدن در کنکور، آن هم در دانشگاه‌های سراسری حتی در شهرهای دور افتاده کار راحتی نیست و از آنجایی که مقصد همه‌ی ما رسیدن به رشته و دانشگاه خوب است بسیاری از افراد در مسیر تحصیل از آینده‌ی خود جا می‌مانند، از این سو بسیاری از افراد به خصوص پسرها، تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای را ترجیح می‌دهند.

آموزش در رشته‌های فنی و حرفه‌ای به معنای یادگیری مهارت است، نه درس و کتاب خواندن. سالانه تعداد زیادی از داوطلبان کنکور بر پایه‌ی شناختی که از خود دارند، یا برحسب علاقه‌ی فردی و یا بسیاری دلایل دیگر به رشته‌های دشوارتر با مدت زمان تحصیل بیشتر روی می‌آورند. همه‌ی این افراد می‌توانند آینده‌ی درخشان داشته باشند، پس تفاوت میان افراد موفق و ناموفق در آینده‌ی شغلی چیست؟

با چند مثال ساده این تفاوت را می‌توان توضیح داد:

فرض کنید داوطلب کنکور ریاضی هستید و به فرض در دانشگاه علم و صنعت رشته‌ی کامپیوتر می‌خوانید. در کنار شما داوطلبی می‌نشیند که رشته‌ی تحصیلی دبیرستان او، فنی و حرفه‌ای بوده است. او در بسیاری از دروس اصلی از شما قوی‌تر خواهد بود و اگر خوب درس نخوانید نمرات بهتری از شما دریافت خواهد کرد با وجود اینکه شما ۳ سال مسائل سخت ریاضی را حل کردید اما او از ابتدا در حال یادگیری کامپیوتر بوده است.

حال فرض کنید همین رشته را در یک دانشگاه سطح پایین‌تر مثل غیرانتفاعی می‌خوانید، کلاس‌ها یک خط در میان برگزار می‌شود، اساتید شما جزء اساتید برتر کشور نیستند، هر ترم یک استاد جدید می‌آید و مطالب را به شیوه‌ای متفاوت می‌گوید و شما را سردرگم می‌کند. در نهایت شما و هم کلاسی فنی و حرفه‌ای‌تان از این دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوید، هر دوی شما وضعیت علمی خوبی از آنچه در بازار کار باید انجام دهید ندارید، زیرا اساتید خوبی نداشته‌اید و کلاس عملی کافی در راستای آمادگی برای ورود به بازار کار نداشته‌اید و در اصل آموخته‌های تئوری خود را به مرحله‌ی عمل نرسانده‌اید. در اینجا باز هم وضعیت هم‌کلاسی‌تان از شما بهتر است، زیرا او در دوران مدرسه کارگاه‌های عملی بسیاری داشته است و بخشی از مهارت‌ها را نه به صورت تئوری دانشگاه، بلکه به صورت کاملاً عملی در مدرسه آموخته است.

یک مثال دیگر برایتان می‌زنیم:

فرض کنید داوطلب کنکور تجربی هستید و می‌خواهید پزشکی بخوانید. در ابتدا شاید مجبور شوید برای رسیدن به این رشته ۲ سال برای کنکور درس بخوانید در حالی که دوست شما که داوطلب کنکور ریاضی بوده است همان سال اول با رتبه‌ی ۶۰۰۰ یک رشته‌ی خوب مهندسی در یک دانشگاه سراسری کشور قبول خواهد شد، اما شما با همین رتبه پشت کنکور می‌مانید.

پس از ورود به دانشگاه باید ۷ سال برای دوره‌ی عمومی درس بخوانید و همگی می‌دانیم که داوطلب تجربی برای پزشکی عمومی شدن، این همه راه را نیامده است پس دوباره باید کنکور تخصص دهید این در حال است که دوست رشته‌ی ریاضی شما بعد از همین ۷ سال فوق لیسانس گرفته است و وارد بازار کار نیز شده است.

چرا انتظارات برخی از پدر و مادرها از فرزند دانش‌آموز خود، بالاتر از حد توان اوست؟!

کرده‌ایم و برای رسیدن او به موفقیت تلاش خود را کرده‌ایم، پس او باید نتیجه‌ی دلخواه را بگیرد و هیچ توجهی به میزان توانایی فرزند خود نخواهند داشت که همین موضوع باعث ایجاد اختلافات و تعارضات در میان آن‌ها می‌شود و استرس و اضطراب فرزند را برای رسیدن به هدفش صد چندان می‌کند که خود باعث بروز برخی بیماری‌هایی می‌شود که رابطه‌ی مستقیم با میزان استرس وارد شده به بدن فرد دارد.

برخی مواقع والدین به خاطر داشتن حس نابه‌جای پدران و مادران و دوست داشتن زیاد فرزندشان، از درک واقعیت نسبت به محیط اطراف خود و فرزند خود به دور هستند و نمی‌خواهند که خود واقعی (از نظر سطح علم و دانش و توانایی‌ها) فرزند خود را بپذیرند و سطح توقعات‌شان به میزانی است که هیچ ربطی به توانایی‌های فرزندشان ندارد.

انتظارات والدین باید نسبت درستی با واقعیت فرزندشان داشته باشد، که توجه به چند ویژگی می‌تواند والدین را به درک بهتر و صحیح‌تری نسبت به فرزند خود برساند:

* شناخت استعداد و توانایی‌های فرزند خود

* شناخت علاقه مندی فرزند خود

* شناخت امکانات موجود و مهیا بودن آن امکانات برای فرزند خود

* آماده سازی محیطی آرام و بی تنش برای رشد استعداد فرزند و رسیدن او به موفقیت

فائقه تیموری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يَعْينُهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَحْرَقُ

«یونس بن رباط گفت: امام صادق علیه السلام نقل کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را به نیکی اش یاری کند. من به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه او را به نیکی اش یاری کند؟ در پاسخ فرمودند: آنچه در حد توان اوست از او بپذیرد و آنچه برایش سخت است از او بگذرد و به او ظلم و تحمیل نکند»

پدران و مادران موفقیت فرزند خود را آرزو مند هستند و بخش عمده‌ای از موفقیت فرزند را وابسته به تلاش او می‌دانند به همین خاطر از فرزند خود انتظاراتی دارند. البته والدین باید مطمئن باشند که دانش‌آموز خود از عهده‌ی انتظاراتی که از او دارند برآید؛ یعنی انتظاراتی متناسب با سطح علم و دانش و کارایی و توانایی‌های او. والدین باید امکاناتی را فراهم کنند که دانش‌آموز بتواند موفقیت را تجربه کند. فراهم کردن امکانات نیز باید متناسب با توانایی‌های دانش‌آموز خود باشد. ایجاد تعادل بین انتظارات والدین و حد توانایی دانش‌آموز، مهم‌ترین امر برای آماده‌سازی یک بستر مناسب برای پیشرفت دانش‌آموز خواهد بود.

انجام هزینه‌های صورت گرفته توسط والدین، میزان توقع از فرزندشان را بالا می‌برد یعنی به این صورت که می‌گویند: ما برای کسب علم و دانش فرزندمان هزینه

مدرسه وقت زیادی از من می‌گیرد، چه کار کنم؟!

۷- از راهکارها و شیوه‌های مطالعه‌ای که برنامه‌ساز و برنامه‌ریز تحصیلی‌تان به شما ارائه داده است استفاده کنید تا زمان و انرژی خود را بیش‌تر ذخیره کنید.

۸- یاد بگیرید در کلاس درس، مثال‌هایی که دبیر حل می‌کند را همان جا و داخل کلاس درس یاد بگیرید و فقط سر کلاس، جزوه ننویسید!

به خاطر داشته باشید که اگر مطابق با برنامه‌سازی که از برنامه‌ریز تحصیلی خود دریافت کردید پیش بروید، هم به کارهای مدرسه می‌رسید و هم به کارهای کنکور. در به کارگیری همه‌ی موارد و تکنیک‌های مذکور، علاوه بر خود دانش‌آموز، والدین نیز نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. والدین باید دقت نمایند هرگونه دلسوزی‌های بی‌مورد را کنار گذاشته و مشوق اصلی فرزندشان برای خوب درس خواندن و بهتر درس خواندن (برحسب توانایی فرزندشان) باشند و بهانه‌های آن‌ها را به حداقل برسانند و در صدد باشند که دانش‌آموز از سرمایه‌ی زمانی خود نهایت بهره را ببرند.

الهام ایزدی

ویراست علمی: سید امیر دبازر

دبیر تحریریه: شیرین امیری

طراح و صفحه‌آرا: شیرین امیری

تحریریه:

شیرین امیری، الهام ایزدی، فائقه تیموری،

شیمایوادپور، آیدا فراهانی

تلفن: ۰۹۱۲۶۰۸۵۰۰۰-۸۸۵۷۵۵۹۳

www.ravesh-diba.ir

www.dibazar.ir



عده ای از دانش‌آموزان همواره با این دغدغه رو به رو هستند که «مدرسه وقت زیادی از من می‌گیرد، چه کار کنم؟» در پاسخ به این سوال باید گفت:

با توجه به این‌که نمی‌توان زمانی بیش از ۲۴ ساعت در روز خلق کرد پس باید این زمان را به بهترین نحو ممکن مدیریت نمود. در واقع تفاوت میان دانش‌آموز موفق با سایر دانش‌آموزان، نحوه‌ی بهره‌برداری از زمانش است. اما چگونگی میسر شدن این امر به چندین عامل بستگی دارد که در ذیل به اختصار آورده شده است:

۱- وقت‌های بلااستفاده‌ی خود را زنده کنید؛ مثل زمان‌هایی که معلم ندارید و یا معلم با تأخیر می‌رسد و کار مفیدی انجام نمی‌دهید (این زمان می‌تواند زمانی برای یادگیری لغات باشد)

۲- زمان خواب مناسب برای دانش‌آموزان ۶ تا ۷ ساعت است. (حتی می‌توانید با ۴۵ دقیقه خواب عصر، زمان خواب‌تان را به کمتر از این زمان کاهش دهید.)

۳- برای استفاده از وقت مفید لازم است که میزان تفریح خود را کنترل نمایید. (تفریح نباید حذف شود اما باید خیلی کم شود.)

۴- به تقاضای غیر مهم اطرافیان "نه" بگویید. (به مرور زمان دیگران متوجه جدیت شما شده و دیگر از این درخواست‌ها نخواهند داشت!)

۵- سرعت و دقت درس خواندن خود را افزایش دهید و بدانید کند خواندن، دلیل بر با دقت خواندن نیست!

۶- حذف و یا به حداقل رساندن استفاده از تلفن همراه و به طور کلی استفاده از دنیای مجازی. (در کل، سارقین زمان را حذف کنید.)